

به دعوت رفقای مسئول کانال تلگرامی 'بیاد رفیق رئیس دانا، برای اتحاد عدالتخواهان' فرصتی دست داد تا در پرسش و پاسخ باره قانون صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی که اخیرا در جمهوری اسلامی مورد بحث است شرکت کنم و نظراتم را درباره این قانون، اهداف و روش های مدرن سازماندهی در جنبش مدنی و کنشگری اجتماعی در شبکه های افقی با شنوندگان برنامه در میان بگذارم.

ابتداعا بحث تئوریک درباره جنبش های مدرن اجتماعی را برای دسترسی علاقمندان به طراحی ساختار نوین جنبش های مدنی یعنی سازماندهی شبکه ای و افقی در اینجا میاورم، با این امید که مورد توجه هموطنانی که برایشان خصلت های رهبری مدرن مهم است قرار گیرد.

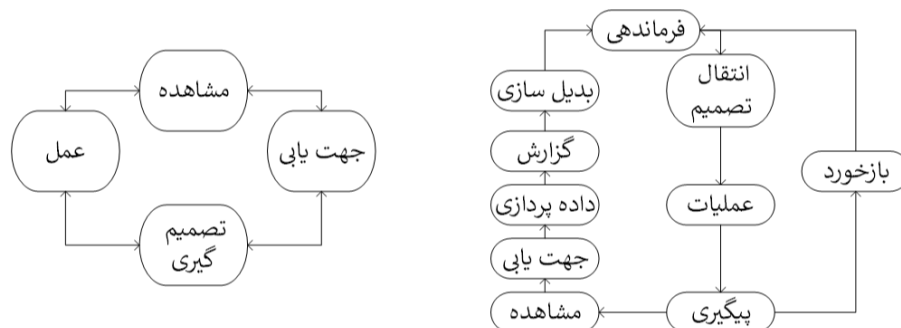
### راهبری مسطح و افقی در جنبش های نوین!

چندین دهه پیش که بحث رهبری جایگزین مدیریت می شد، خصایص رهبری بیش از هر چیز بر کیش شخصیتی رهبر استوار بود. مینا براین بود که رهبری کار رهبرانی است که به غریزه یا با تجربه اموخته اند که چگونه رهبری کنند. برخی آن را صفت می شمارند و بعضی نام و قید. در آن زمان رهبر کسی بود که دیگران او را پیروی می کردند و بنابراین مردم به دو گونه اند یا رهبرند یا پیرو. این تعریف رهبری را بیشتر در همان خصلت غریزی تبیین میکند. هم ازین روست که رابطه رهبری با پیروان لزوما به هرم عمودی قدرت نیاز دارد و رهبران در سیستم هرمی باید کاریزمای اقتدارگرایانه را هم داشته باشند. به زنجیره فرماندهی در ارتش و رابطه رئیس و مرئوس در یک اداره سنتی نگاه کنید.

دیوید تالبوت در روایتی از جنگ عراق در مجله بررسی تکنولوژی MIT مینویسد که در سال ۲۰۰۳ یک گردان زرهی ارتش آمریکا درکناره رود فرات با نیروهای عراقی درگیر شده بودند. حدودا ۱۰۰۰ سرباز امریکایی به محاصره یک تیپ عراقی درآمدند که ۷۰۰۰ نفر را شامل میشد. سوال اصلی برای ارتش آمریکا آن بود که چگونه این تعداد نیروی عراقی توانستند جابجا شوند ولی دستگاه عظیم اطلاعاتی آمریکا و نیروهای ائتلاف با پیشرفته ترین تجهیزات از هواپیما و ماهواره تا دوربین های شناسایی حرارتی و ابزار شنود مخابرات نتوانستند آنها را رصد کنند. گرچه این نبرد را امریکائی ها در نهایت بردند ولی دلیلی که بعدا برای این مشکل اعلام شد ساختار عمودی سنتی در ارتش بود که براساس هرمی باید اطلاعات به رده فرماندهان اصلی میرسید تا فرمان مناسب صادر شود. همین فاصله باعث تاخیر در کنش و واکنش میشد که تالبوت انرا دره دیجیتالی نام گذاشت. همزمان با این دشواری در عراق، نیروهای ویژه امریکایی در مناطق کوهستانی بین پاکستان و افغانستان بدلیل عدم دسترسی به برخی تجهیزات مخابراتی پیشرفته از مدل افقی فرماندهی و کنترل استفاده می کردند و پیروزی های بسیار بزرگتری را بدست میاورند. در این میدان نیروهای ویژه از روش های مبتدی تر برای تماس با یکدیگر و با تیم های حاضر در صحنه جنگ استفاده میکردند و روند اطلاعات و فرماندهی بدون واسطه تر پیش میرفت. عملیات نیروهای ویژه در افغانستان یک ساختار مسطح و افقی داشت و فرماندهی و کنترل دران بین سرپل های همه تیم ها تقسیم و شریک میشد.

عجیب انست که مشابه این شرایط را در انقلاب ایران هم شاهد بودیم. برتری تکنولوژی دولت شاه و وسایل ارتباط جمعی دولتی، رادیو و تلویزیون و روزنامه های تحت کنترل در مقابل ارتباطات افقی ولی گسترده مساجد سقوط کرد. ژنرال هایزر در کتاب خود ماموریت تهران به صراحت توضیح میدهد که شاه با تمام فرماندهان ارتش شخصا و مستقیم دیدار میکرد و روند کنترل و فرماندهی فقط با شخص وی انجام میشد و فرماندهان نیروهای زمینی، هوایی و دریایی هیچوقت قبل از یک ماه مانده به انقلاب با هم ملاقات نکرده بودند. شاید دلهره شاه ناشی از خطر کودتای نظامی بود که در کشورهای همسایه عراق، پاکستان و ترکیه بسیار اتفاق میافتاد. هایزر روایتی هم در اینباره دارد که مثلا در آغاز زمستان ۵۷ بعلت اعتصاب کارگران نفتی سوخت مورد نیاز برای ترابری ارتش را دولت عربستان سعودی با یک کشتی به ماهشهر فرستاده بود ولی هایزر نمیتوانست بین نیروی دریایی و زمینی برای تخلیه و انتقال این سوخت هماهنگی ایجاد کند.

در سیستم هرمی چهار کنش اصلی، مشاهده، جهت گیری، تصمیم، و عمل در طبقات عمودی صورت میگیرند و در آن صعود اطلاعات و فرود فرماندهی و کنترل مابین طبقات مدت زمان بیشتری میطلبد. در سیستم افقی هر چهار کنش در یک تیم بطور شبکه ای صورت میگیرد و با تیم های دیگر هم در ارتباطات میان برشی به اشتراک گذاشته میشود.



تمرین لیدرشیپ و آموزش برای آن در نگاه شخصیت محور هرمی چیزی بود که تنها به جمع نخبگان و الیت عرضه میشد، کسانی که پتانسیل آن را داشته و توانایی درونی و غریزی برای رهبری دیگران در آنها جمع باشد، بدیهی است که تعداد اندکی بودند که به این افتخار نائل میشدند. امروزه اما شاهد تغییرات زیاد گرچه آهسته در این موضوع هستیم. در سیستم های نوین رابطه عمودی سلسله مراتبی بین رهبر و پیروان او دیگر موضوعیت ندارد. بجای رابطه هرمی امروزه با شبکه ها، تارنماها، روابط، اتحادها، کنسرسیوم، همکاران اشتراکی، سرمایه گذار های مالی، اکوسیستم های فرهنگی و محیطی جوامع روبرو هستیم. این تنها تابعی از معدل داده های شبکه و یا یک واژگان زودگذر نیست، بلکه در ساختار صنعت و تکنولوژی مدرن با منابع جهانی شده، و زنجیره تولید مادلار، و تمرکز بر هسته کسب و کار و تجارت بافته شده است. در سیستم های افقی و مسطح رهبران بخاطر توانشان نیست که احترام و اعتماد میگیرند، بلکه بخاطر آنست که میتوانند دیگران را با خود همراه کرده و مشترکا توانمند سازند. هم ازین روست که نویسنده این یادداشت بجای کلمه رهبر که بویی اقتدارگرایانه دارد، ترجیح میدهد از راهبر استفاده کند.

### ورود به دوران راهبری شبکه ای و مسطح

معنای راهبری افقی برای کسب و کار آسان است اما تاثیراتش بر روابط اجتماعی و جنبش های مدنی پیچیدگی های خود را دارد. این روابط دیگر عمودی و هرمی نخواهند بود که در سیلو های جدا از هم در جریان باشند، در عوض بطور افقی افراد را در محدوده مرزهای اجتماعی بهم متصل خواهند ساخت. این شکل مارا مجبور میکند که تعریف بهتری برای راهبری ابداع کنیم. در واقع هیچوقت منظور آن نبود که همه باید از لیدر پیروی نمایند، منظور آن بود که کار به سرانجام برسد هنوز هم هدف همان است اما کار با صف کردن سربازان پیاده انجام نمیشود و بیشتر با ایجاد حرکت حول محور و هدف مشترک صورت میگیرد. رهبری عمودی مانند فرماندهی و کنترل معمولا ارتباطی یکطرفه از بالا به پایین است. اما راهبری افقی بیش از هرچیز بر اعتماد استوار است و اعتماد یک رابطه دوطرفه است. مسئولیت راهبر افقی را میتوان در "ترغیب کردن دیگران برای پیوستن به جمع و همراهی در جهت هدف مشترک بدون آنکه بر ایشان کنترل مستقیم داشته باشد" تعریف نمود. شاید در نمونه شرقی آن بتوان از رابطه مرید و مرادی در عرفان هم مثال آورد، با این تفاوت که در این مدل انتقاد و طرح پیشنهاد هم یک رابطه دوطرفه بین مریدان و مراد است.

برای راهبری در سیستم افقی نفوذ کلام، توان تاثیرگذاری، و بویژه اعتمادسازی مهارت های مهم و ضروری هستند. از آنجائیکه تفاوت عمده سیستم راهبری عمودی و افقی در کنش و واکنش ها و ارتباط دوسویه است، در یک سیستم عمودی نیازی به آن نیست که یک راهبر خوب در عین حال دنباله روی خوب هم باشد. اما برای آنکه در سیستم افقی راهبر خوبی باشید ضرورت دارد که بتوانید به دیگران اعتماد کنید و نشان دهید که قابل اعتماد هستید. از سوی دیگر برای رسیدن به سپهر های نوین باید برای ریسک کردن هم آماده باشید و در صورت ضرورت خطر کنید.

## در راهبری سیستم های نوین چه باید کرد؟

راهبر باید داستان حرکت جنبش را چنان به هم بیافد که همه نیرو ها جدا از هم فرصت ها و تهدید ها را فراتر از دیدگاه های کوچک خود درک کنند و به این جمع بندی برسند که تنها با همیاری با یکدیگر است که میتوانند به عملکرد مطلوب دست یابند. نیروهای جنبش افقی در سلول هایی که با عنایت به شرایط زمان و امکانات لجستیکی شکل گرفته اند تقسیم میشوند. این سلول ها برخلاف ساختار هرمی در سطح برابر با سایر تیم ها نشسته اند. با این وجود کلید موفقیت در انست که راهبر اشتراک اطلاعات را در بین تیم های مختلف تسهیل نماید، همه را تشویق کند که با صدای بلند تفکرات خود را مطرح نمایند. یک راهبر خوب میتواند بهترین ایده ها و ارزش ها را از جامعه بیرون بکشد. در این مسیر راهبر از همه میخواهد که بر روی مسائل بزرگتری که جمع و رهبری با آن روبروست مکث و تفکر کنند. نتیجه انست که سطح تفکر ها ارتفاع میابد و روایت عمومی از جامعه هم جهت و هماهنگ خواهد شد.

چالش پیش روی راهبری انست که به ساختار گسترده تری رو کند و ریتم هماهنگی به جنبش بدهد که برای تهدیدات و رقابت با نیروهای خارج از سیستم مناسب و هم وزن باشد. راهبر باید به اعضای شبکه بیاموزد که چه وقت باید عقب بنشینند و به سخنان دیگران گوش بدهند و از شرایط درس بگیرند، و چگونه آن درس ها را به عمل تبدیل نمایند. این روند دائما تکرار خواهد شد و ریتمی شایسته خواهد گرفت و به تیم ها کمک خواهد کرد چگونه مشکلات و تهدیدات موجود برای خود و دیگران را حل کنند.

**وظیفه دیگر راهبر انست که بموقع نیروها را آتش به اختیار کند و در موقع مناسب آنها را مهار سازد.** فضاهای مناسب برای تصمیم گیری را تبیین نماید و به تیم ها گوشزد کند که در حالت آزاد نتیجه عمل هر تیم ممکن است برای کل ماموریت و همه افراد ریسک تازه و تهدیدی جدید باشد و در عین حال تیم ها را ترغیب کند که از موقعیت و فرصت های پیش آمده باید حداکثر استفاده را کرد و منتظر تصمیم دیگران نبود. در سیستم های مدرن چه اجتماعی و چه صنعتی توانمند سازی خطوط مقدم برای تصمیمات آبی و اعتماد بنفس در این مقاطع ضرورت اصلی است.

## چه کسی خصوصیات راهبری نوین را دارد؟

ساختن مجموعه ای از تیم ها پیشنیاز سنتی برای راهبری را تغییر داده است. لیدر خوب باید از خود شروع کند و هویت خویش را از کسیکه فقط فرمان صادر میکند به کسی تبدیل نماید که زمینه ای برای رشد دیگران و موفقیت و توانمندی جامعه ایجاد مینماید. **راهبران جدید بیشتر فروتن و متواضع هستند.** آنها کنترل را کلا ترک نمی کنند بلکه آن را در ایجاد زمینه و ساختار توسعه پایدار برای عملکرد اجتماعی بکار خواهند برد و بجای توجه اصلی بر خود تلاش شان را به هدف افزایش توان دیگران متوجه می نمایند—به آنان دانش و آزادی عرضه می کنند تا هر وقت ماموریت نیاز داشته باشد وارد عمل شوند. **در عمل هدف جمعی ماموریت بزرگتر از هدفی ست که هر فرد و یا تیم در مجموعه قادر خواهد بود برای خویش بطور انفرادی تصور کند.**

## راهبری افقی و فضای فی مابین

ما معمولا در اشاره به نوآوری از فکر کردن خارج از محدوده خود صحبت می کنیم، و در سیستم های افقی راهبران میاموزند که چشم انداز دید خود را باز هم فراتر قرار دهند و خارج از محدوده امکانات روز بیاندیشند. به عبارت دیگر آنها بواقع مرز شکن هستند و دیدگاهی پرورده اند که تیز و شفاف بتواند از میان موانع عبور کند و افق را از پس دیوار باید ها، اهداف، و امکانات هم ببیند.

راهبران افقی میتوانند ائتلاف گسترده ای از شبکه های ارتباطی اطراف توده ها بسازند که بتواند چالش های مبهم و ناشناخته که در بعد سوم قرار دارد و بالطبع خارج از محدوده کاری هر فرد و یا تشکیلات است را پاسخ گوید. راهبران افقی خصلت دیگری هم دارند و آن اینکه فقط به جلو نگاه نمی کنند بلکه به کناره ها هم نگاه جستجوگر خود را میاندازند تا بتوانند موقعیت تشکیلات را نسبت به سایرین بسنجند و راهپیمایان هم جهت را تشخیص داده و جلب نمایند.

تا ابداع تئوری کوانتوم وسیله انشتین، تفکر نیوتونی برای چندین سده بر جهان حاکم بود. در دنیای نیوتون، فضای مابین اجزاء تشکیل دهنده جهان خالی است و فردیت بر شرایط انسانی حاکم است و حتی رشد انسانی هم متکی بر تک محوری و تک روی (Individualism) است. در تئوری کوانتوم اما فضای بین اجزا خالی نیست و در عوض با میدان های

غیرقابل رویت پر شده است که ساختار جهان را مستدام نگه میدارند اما از آثارشان میتوان بوجدشان پی برد. در فیزیک کوانتومی فضا یک میدان بسیار فعال و پر جنب و جوش است. بر این اساس میدان های فی مابین اجزاء همه چیز را به هم متصل میکنند و عامل اثرپذیری و نفوذ بر دیگران می گردند. به عبارت دیگر فضای فی مابین ما همان اکوسیستمی است که ما ان را فضای سایبری میخوانیم. سیستم های مدرن اجتماعی بر این اساس پایه گذاری شده اند که فضای بین جوامع را میتوان و باید با استفاده از روابط نوین فعال کرد و به حرکت آورد. یک لحظه اگر به گذشته برگردیم با این سوال روبرو خواهیم شد که انقلاب ۱۳۵۷ ایران در شرایط امروز و با داده های مدرن آیا میتوانست با شعار "نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی" پیروز شود؟ آیا شعار ایزوله کردن اجتماعی میتواند امروزه موفق شود؟ پاسخ من به این سوال منفی است. اگر تفرکات و چشم انداز نیوتونی ما را از هم جدا می بیند و تقسیم می کند گفتمان نوین کوانتومی ما را از هر نژاد و رنگ و ملیت به هم وصل میکند و به جهان پیرامون متصل می نماید. در فضای جهانی شدن شعار های تجزیه طلبانه و جهان گریزی نه تنها مخالف منافع اجتماع هست بلکه با معیار جوامع مدرن نیز در تضاد کامل است.



استیو جابز رهبر کمپانی اپل برین باور بود که حتی ساختمان های مناسب فضایی را ایجاد میکنند که نوآوری ها شکل بگیرند. این ساختمان های ساده در میان خود میدانی مشترک را محاصره کرده بودند و در این محیط بود که اپل نوآوری های شگفت انگیز دهه های اخیر را به بازار عرضه کرد. در فضاهای مشترک مابین سیلو های مختلف تکنیکی و عقیدتی است که بین دیدگاه ها و تخصص های چندگانه شانس برخورد های اتفاقی پیش میاید و از مبادله افکار طرح ها و ایده های نو شکل میگیرند.

با این ترتیب شناسه های راهبران در شبکه های افقی از جمله بشرح ذیل است:

#### راهبران قصه گو

آنها گوش شنوایی دارند و در عین حال قصه گوی ماهری هستند. آنها به ارزش استعاره در زبان پی برده اند و میدانند که مهارت در تصویرسازی پر کشش و گسترده گفتمان سازی میافزاید و سخنگویی به زبان رسا و شفاف بُرد گفتار درباره مسایل دشوار را ممکن میسازد. از راهبران معاصر آقای اباما نمونه درخشانی از کسانی بود که بر زبان گفتاری و روایت صریح و روشن زبده بود.

شاخصه دوم برای راهبری نوین آنست که بتوان بدون پیش نویس ماموریت را هدایت کرد. زبان رسا در بیان معضلات و سخن گفتن شفاف درباره تجربیات و مشاهدات اثری دارد که در روی صفحه گسترده و جدول و چارت نمی گنجد. گفتار در فضای سوم به زبانی ریشه دار و چندبعدی از چشم انداز، و اهداف نیاز دارد. در این عرصه راهبرانی موفق هستند که بتوانند با زبانی سلیس برای توده ها معضلات پیچیده را بدون استفاده از کلام فنی و تکنیکی توضیح داده و حمایت آنها را جلب نمایند.

#### راهبری در مکان و در تقاطع

سومین شاخصه، تبحر در تشخیص اهمیت و قدرت مکان و محیط است. راهبران افقی بیش از هرچیز قائم به محیط خویشند و میدانند که باید به محیط خود اشراف داشته باشند و مراقب و مواظب سرزمینی هستند که ازان میایند و دران رشد کرده اند و آرزو میکنند که رشد و توسعه را در همان محیط و فضا هم ببینند. در یک دنیای ناشناس که در ان قانونی حاکم نیست، اجماعی وجود ندارد و مسیر روشنی به آینده هویدا نیست، اگر جایی برای ایستادن نباشد زمینه ای هم برای شروع حرکت عاقلانه در لحظه موجود نیست.

در عین حال برای راهبران قائم به محیط، آگاهی از محیط زیست و اکوسیستم یک ضرورت است. این بویژه از انرو مهم است که راهبران نیاز دارند که گاه از حاشیه هدایت کنند، جایی که تعدادی حوزه، تخصص، جهان بینی، فضا و رشته محیطی به هم میرسند. در طبیعت مکان های زیادی را میشناسیم که زمین به اب میرسد و دشت به جنگل. این جایی است که هم اوایی و تغذیه محیط باشترک میرسد و هردو محیط در این تقاطع از اهمیت یکسان برخوردارند و یکی را نمی

توان قربانی دیگری کرد. برای راهبری افقی و از فضاهای فی مابین نیاز به لغزیدن و مانور کردن بین دنیای خودی و تعلقات شخصی و حرفه ای، مهارت های ذاتی و پارادوکس های موجود و گوش دادن به پرسپکتیو های چندگانه هست.

### چشم انداز و دیدگاه آینده نگر و الهام بخش

راهبران موفق میدانند که دیگران مهمترین وجوه کار هستند و بدون پیروی آنها راهبری معنی و مفهومی ندارد. آنها به ارزش دیگران در پیشرفت مأموریت عمیقاً باور دارند و حاضرند در رشد اعضای تیم سرمایه گذاری کنند. این راهبران تنها استفاده کننده از مردم نیستند بلکه به مردم سازی اعتقاد وافر دارند، به مردم عشق میورزند و ارزشمند موفقیات آنها هستند. راهبران آینده نگر و الهام گرا، بدنبال کنترل و مهار پیروان خود نیستند بلکه بیشتر مایلند توانایی درخشش پرشور آنها را ترغیب نمایند. محیط کار و آموزش برای راهبر مکان روحیه دادن به اطرافیان است و حاصل ای تلاش شیفستگی و همیاری برای رسیدن به هدف جمعی است. مثال این از خودگذشتگی داوطلبانه را بهتر از هر جا در پرواز پرنده های مهاجر میتوان دید که جای پیشرو را یک به یک عوض میکنند تا خستگی شکافتن هوا را بین هم تقسیم نمایند بی آنکه تهدید و اجباری در میان باشد.

*بن زاندر رهبر ارکستر فیلارمونیک بوستون است که میگوید "من فقط هدایت و هماهنگی و شکفتن و الهام بخشیدن به نوازندگان را بر عهده دارم، در طول کنسرت هیچ صدایی از من عرضه نمی شود و تمام هنر را نوازندگان ارائه میدهند،" اما هیچ کس نیست که نقش رهبر را در اجرای فوق العاده کنسرت ها انکار کند.*

### خصایص فردی راهبر

راهبران استثنایی به اهداف بزرگتر از امروز باور دارند، آنها در راه رسیدن به جایی هستند که به باورشان ارزش ان را دارد که برایش دیگران را به این سفر ترغیب نمایند. آنها فرهنگ ویژه ای هم در حول چشم انداز این سفر آماده کرده اند که برای تبیین راه و حفظ همراهان در این مسیر بکار میبرند. راهبر خوب سخت کوش و ملتزم به همراهان و پیروان جنبش است. آنها به آنچه قلبا بدان معتقدند وفادار می مانند، از مسیر به کژراه نمیزنند و تسلیم فشار و تب روزانه نخواهند شد و نه تنها در روزهای خوب بلکه در طوفان هم اعتقادشان مستمر خواهد بود.

راهبران موفق انسان های فداکاری هستند که با افزایش فشار ها و دشواری ها زود صحنه را ترک نمیکنند. راهبران همزمان تغییرات ضروری را با خود آغاز میکنند. آنچه راهبران را از صبح به سوی چالش های روزانه بیرون می فرستد شوری ست که در دل دارند و صدایی که آنها را فرا میخواند. آنها بی تابند که رودر رو به مصاف مشکلات بروند. اشتیاق آنها واگیر است و انرژی مثبت از آنها به دیگران هم سرایت می کند.

### شبکه های اجتماعی و فن آوری های نوین

بر طبق آخرین داده های بین المللی در ایران رشد اتصال و استفاده از اینترنت علیرغم تحریم ها و سانسور دایم در حال افزایش است. در استانه سال ۲۰۱۸ بیش از ۵۷ میلیون نفر به اینترنت دسترسی دارند. نتایج آماری وسیله مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) در بهمن ماه ۹۶ نشان می دهد که از هر ۱۰ ایرانی شش نفر در شبکه های اجتماعی فعالیت دارند. فیسبوک امار کاربران خود در ایران را ۴۰ میلیون نفر برآورد میکند. برای داشتن تصویر واقعی تری از این آمار باید توجه داشت که در این نظر سنجی ۷۲٪ پاسخگویان ساکن شهرها و ۲۸٪ ساکن روستا، و میانگین سنی پاسخگویان ۳۸ سال بوده و ۶۱٪ از شرکت کنندگان در نظر سنجی دارای تحصیلات دیپلم و پایینتر از آن و ۳۹٪ دارای تحصیلات دانشگاهی هستند که نشان میدهد گسترش کاربری در شبکه های اجتماعی موبایل در میان تمام اقشار و طبقات اجتماعی و شهری و روستایی گسترده است. باید توجه داشت که درصد اتصال به اینترنت در ایران (۷۰٪) کمتر از اروپا (۸۵٪) و امریکای شمالی (۹۵٪) ولی بیشتر از معدل جهانی (۵۱٪) است.

فن آوری های نوین در بسیاری بخش های تجاری و خدماتی اثرات انقلابی چشمگیر برجا گذاشته اند. در بازار جهانی شده تجاری، مبادله کالایی دیگر نیازمند مکان فروش نیست و سپهر آن از وسایل الکترونیک تا کتاب و وسایل منزل و حتی مواد غذایی و پوشاک تا خرید بلیط هواپیما، رزرو هتل، کرایه اتومبیل، اجاره آپارتمان و غیره گسترش یافته است. در ایالات متحده در طی ده سال اخیر فروش کالا از طریق اینترنت نزدیک به پنج برابر شده است.

تأثیر فناوری های نوین سیاست را هم دگرگون میکند. در امور اجتماعی نیاز به محیط و اکوسیستم هست اما این شبکه ها لزوما ساختار سخت حزبی و تشکیلاتی ندارند. سیستم فرماندهی و کنترل هم در آن در سطح گسترده شده و بشکل سنتی یک هرم عمودی نیست. نمونه این جنبش های متکی بر شبکه های اجتماعی را در جنبش سبز و بهار عربی شاهد بودیم. از سوی دیگر استفاده از این دستاورد ها در پیروزی پوپولیست های راست هم موفق بوده است و نمونه آن انتخاب رئیس جمهور برزیل می تواند باشد که از کانال های واتزاپ برای بسیج نیرو استفاده کرد بدون آنکه ساختار منسجم حزبی داشته باشد و یا در فراندوم برکزیت در بریتانیا. در جنبش های مدنی و کارگری هم استفاده از شبکه های اجتماعی گسترده شده است و بطور مثال در اعتصابات و مبارزات معلمان در بسیاری از ایالات آمریکا در سالهای اخیر بکار رفته است.

نکته قابل اهمیت در موارد بالا آنست که گرچه در بعضی موارد کاندیدای مورد نظر از شبکه های اجتماعی برای رساندن پیام خود استفاده کرده است ولی در مورد اعتصابات معلمان جنبش هایی خودانگیخته و بدون رهبری مشخص هم به پیروزی رسیده اند. بطور مثال معلمان ایالت ویرجینیا حتی با مخالفت اتحادیه خودشان هم روبرو بودند و تصمیم به ادامه اعتصاب و رد توافق اتحادیه با دولت را بصورت شبکه ای و در سطح افقی جنبش گرفتند. دلیل عمده آن بود که در اعتصاب علاوه بر معلمین، دانش آموزان و کارکنان اداری و مستخدمین مدارس هم شرکت کردند و در نتیجه معلمین هم خواسته های آنها را به لیست خود افزوده بودند و از آنان دفاع میکردند که شامل بهبود امکانات آموزشی دانش آموزان و افزایش حقوق و تعداد روزهای مرخصی کارکنان اداری و خدماتی مدارس که خارج از اتحادیه معلمان هستند، هم میشد. اتحادیه معلمان اما حاضر نبود برای دیگران به چانه زنی ادامه دهد و قرار داد توافق شده با دولت را میخواست به معلمان تحمیل کند. آنها اما به قرار داد مذاکره شده با اتحادیه رای ندادند و تا احقاق همه خواست هایشان از رفتن بسر کار سرباز زدند.

#### سوالات طرح شده در جلسه:

- در صحبت های مقدماتی شما دو موضوع جدا از هم مطرح گردید یکی موضوع سازمانگری در شبکه های مجازی که شبکه های هرمی و افقی را طرح می کند و دومی موضوع طرح صیانتی که از سوی جمهوری اسلامی با استناد نادرستی به اصلی در قانون اساسی در حال تصویب است و هدفش واقعا محدودیت استفاده از اینترنت برای شبکه های اجتماعی است. ولی طرح موضوع اول کاملا موضوع دوم را تحت الشعاع قرار داده است و برای کاربران این سوال مطرح می شود که اندیشه رد شیوه سازماندهی به قول شما عمودی و جایگزینی آن با شیوه افقی چه مزیت ها و چه محدودیت هایی دارد و در این رابطه عبور از مرحله سازماندهی از شیوه هرمی به شیوه افقی چه مخاطراتی را در سازماندهی اجتماعی (احزاب و سازمان های توده ای از هر نوع) به دنبال خواهد داشت؟

واقعیت مطلب آنست که ساختار افقی شبکه های اجتماعی از سوی نیروهای امنیتی پلیس کمتر در خطر خواهد بود تا ساختار عمودی. اگر به گذشته احزاب سیاسی هم توجه کنیم مثلا در دوران مبارزات چریکی با وجود آنکه انواع و اقسام تاکتیک های ضد اطلاعاتی بکار میرفت اما با لو رفتن افراد خطر آن وجود داشت که همه شاخه های مربوط وسیله نیروی امنیتی حاکم در خطر حمله قرار بگیرند. در شبکه های افقی هویت افراد کمتر با شبکه های دیگر به مشارکت گذاشته میشود و اساسا ضرورت ندارد که کسی از آن خبر داشته باشد.

در ارتباط با سوال اولتان باید بگویم که ساختار های افقی لزوما به تکنولوژی وابسته نیستند و با امکانات محدود تر هم میتوان آنها را تشکیل داد و پیش برد. مثال هایی که درباره جنگ عراق و حتی انقلاب اسلامی هم آوردیم حاکی از آن بود که شبکه افقی مساجد بدون نیاز به تکنولوژی هایی که ارتش و سازمان امنیت شاه از آن بهره میبرد موفق تر توانست عمل کند.

- اگر بپذیریم که راهبر نقش هدایتگر و هماهنگ کننده و کسی که قابلیت های لازم را برای تجزیه و تحلیل دارد، این راهبر یا هیات راهبران در یک تشکیلات افقی گسترده چگونه انتخاب میگردد؟ چگونه ساز و کار هایی می تواند به فعالیت هایش کنترل داشته باشد تا یک راهبر به یک رهبر کارزماتیک و اقتدار گرا بدل نشود و در حد راهبر ریزوماتیک (یعنی حلقه ای از سلسله حلقه های یک زنجیر افقی) باقی بماند؟

در شبکه های افقی همانطوریکه عرض کردم مراتب رای گیری و انتخاب به آن صورت که در سازماندهی های عمودی مرسوم است وجود ندارد. اساسا باید بپذیریم که ریاست و مدیریت با حکم و میز نمی آید و همانگونه که تکرار کردیم براساس اعتماد عمومی بوجود میاید. در دوران پس از انقلاب بسیار دیده ایم که کسانی به وزارت و مدیریت و مسئولیت انتصاب شده اند که در واقع مورد اعتماد و دارای اعتبار مردمی نبوده اند. کسانی هم بوده اند که خارج از پست مسئولیت شان از نفوذ بیشتری برخوردار بوده اند. مثال هاشمی رفسنجانی در آغاز انقلاب اسلامی نمونه کسانی است که تا زمان فوت آقای خمینی نفوذ و برش بیشتری از همه کسانی داشت که ظاهرا مقام و منصب رسمی بالاتری داشتند. در آنزمان هنوز سیستم هرمی قدرت جا نیافتاده و بلوک های قدرت شکل کنونی خود را نیافته بود.

- شما برای نشان دادن تفاوت بین شبکه های هرمی سازمان دهی با شبکه های افقی مثال اتحادیه های معلمان ویرجینیا را در دوره ترامپ مطرح کردید و این موضوع را که کارمندان و مستخدمین و دیگر نیروها عضو اتحادیه نبودند، موجب میشد آن اتحادیه به حقوق اینها توجه نداشته باشد، و آنها به سمت شبکه های افقی بروند و الا آخر. این شیوه عضوگیری و تعیین اهداف آن اتحادیه هیچ ربطی با شبکه ی افقی ندارد / اگر در آن اتحادیه خلاف منافع اعضا تصمیمی گرفته میشد و پس از آن اعضای خود اتحادیه با ایجاد شبکه های افقی وارد عمل میشدند این مثال مصداقی و درست می بود. در واقع از وجود اینگونه سازمان اتحادیه ای با وجود تعریف عضو و پذیرش دیگر نیروها نمی توان به این نتیجه رسید که شبکه افقی بر اساس نفی روابط تمرکز گرایانه و غیر دموکراتیک شکل گرفته است. لطفا توضیح دهید آیا به نظر شما ایجاد شبکه های افقی به معنای نفی هر گونه تعاریفی چون اهداف، خط و مشی و ساختار متناسب با این موضوعات است؟ و اگر جواب منفی است چه راهکارهایی را به چه شکلی می توان برای این موارد در یک تشکیلات افقی عملیاتی کرد؟

شاید که توضیحات من کافی نبوده و یا قصور از بیان من بوده است، منظور من آن بود که در آن شرایط اتحادیه معلمان نتوانست بر خواست عمومی که در شبکه افقی کنشگران شکل گرفته و هدایت میشد غلبه کند و در نتیجه شبکه افقی برتری خود را بر سلسله مراتب عمودی اتحادیه، با ادامه اعتصاب و رسیدن به همه خواسته های اعتصابیون نشان داد. در رابطه با سوال دوم باید بگویم که هدف، برنامه، خط مشی و موارد مشابه هم چنان در شبکه افقی وجود دارد و بصورت ساده تری با تفاهم جمعی تبیین گردیده است. آنچه با سیستم هرمی متفاوت است این واقعیت است که اهداف و برنامه و سیستم اندازه گیری موفقیت واحد ها در سیستم عمودی از بالا به پایین دیکته میشود اما در شبکه افقی برعکس در پایین تدوین و بمرور به کل شبکه منتقل میگردد. گرچه ممکن است که هسته های مختلف به مواد مشخص و گاه متغیری رسیده باشند، اما در مجموع منحنی پوششی کل شبکه بسوی هدف نهایی پیش میرود. گرچه میتواند بطور مثال در کردستان برای مقابله با آتش سوزی جنگل ها باشد و در خوزستان برای مقابله با کمبود آب، اما خرد جمعی در هر دو مورد گرمایش زمین را هدف گرفته است. به عبارت دیگر جمله پردازی هدف و خط مشی ممکن است یکی نباشد ولی آنچه دو هسته را در یک شبکه افقی قرار داده همسویی نهایی اهداف آنهاست.

- در شرایط کنونی بسیاری از مردم بخصوص زنان از طریق اینترنت کار میکنند و از این طریق برای خود و خانواده امرار معاش می نمایند - با توجه به این شرایط وخیم ، محدود کردن اینترنت چه تاثیری روی اقتصاد خواهد داشت؟

محدود سازی اینترنت قطعاً نه تنها بر زنان بلکه بر جوانان و بخش های بزرگتری از جامعه تاثیرات بسیار منفی خواهد داشت. اقتصاد میکرواقتصادی که اتفاقاً در سراسر جهان از طریق صندوق های اعتباری سازمان ملل مورد حمایت است از طریق اینترنت در ایران شکل گرفته است، بسیاری از زنان هنرمند با ساخت صنایع دستی و وسایل تزئینی در خانه روز را میگذرانند و اینترنت امکان عرضه و فروش را برایشان فراهم میکند. بطور کل بخش قابل اعتنایی از اقتصاد خصوصی در ایران از جمله خدمات حمل و نقل و توزیع و عرضه غذا در منزل از طریق شبکه های اینترنتی تامین میشود. در تحقیقاتی که در ماه های اخیر بر روی سرمایه داری دیجیتال انجام میدادم نتیجه گرفتم که علاوه بر بخش هایی از خود نظام تعداد بسیار زیادی از جوانان تحصیل کرده در علوم کامپیوتری و کار آفرین مستقل در بخش تکنولوژی هستند که در فعالیت اقتصادی مربوط به رمز ارزها و بیت کوین کار میکنند. همانطوریکه میدانید ایران در بین ده کشور بالای تولید بیت کوین و ایجاد سرمایه از طریق آن در جهان است. هم قیمت انرژی در ایران به نسبت پایین است و هم انرژی از سوخت های تمیز تر (گاز و هیدروتوربین) نسبت به چین تولید میشود، مضاف بر اینکه سطح زیرساخت های علمی و نیروی انسانی بالای ایران بعلاوه مساله تحریم های اقتصادی کشور را به یک قطب در این رشته تبدیل کرده است. به

باور من اصلاً عملی نیست که ناگهان دولت بتواند اینترنت جهانی را برای همه قطع کند. اینترنت داخلی نمیتواند پاسخگوی نیازهایی باشد که مثل رمزارزها در سطح جهان گسترده است. بلاک چین که معماری تکنولوژی بیت کوین را شکل میدهد در ۲۱ میلیون کامپیوتر در سراسر جهان گسترده شده است که تمام این مبادلات را ثبت میکنند. از سوی دیگر تمام نیروی انسانی و علمی جهان بر روی استاندارد های بین المللی اینترنت ساخته شده است و دائماً در حال گسترش، پیشرفت، و روزآمد شدن است. در توان جمهوری اسلامی نیست که بخواهد تمام این زیرساخت ها را دوباره فقط در داخل تأمین کند. آنچه در گذشته از آن صحبت میشده در واقع نوعی دیوار کشیدن دور ایران و قطع ارتباط با جهان خارج است، چنین سیستمی بالطبع باید در چند دروازه با اینترنت جهانی وصل باشد و از همان دروازه هاست که ورود و خروج به سیستم قابل نفوذ خواهد بود. بنابراین اصلاً کار عبثی خواهد بود اگر در این عصر ایران بخواهد خود را از جهان جدا کند و در غیر اینصورت هم این قانون به هرنامی که باشد هیچ مشکلی را برای رژیم حل نکرده است، بلکه درد سری به همه مسایل دیگر افزوده است.

- در ایران بسیاری از زحمتکشان جامعه از امکاناتی مانند موبایل جدید و اینترنت با کیفیت بالا برخوردار نیستند، سازماندهی مجازی بدون حضور آنها معضلات آنها را چطور می تواند در اولویت قرار دهد؟

سوال بسیار خوبی را مطرح کرده اید. واقعیات زندگی در سرمایه داری آنست که دردها و محرومیت ها در همه جا بیش از پیش به افشار تحت ستم طبقاتی فشار میآورد. در آمریکا و غرب هم همین تفاوت و اختلاف در سطح امکانات وجود دارد. در محله های ساکن تهیدستان و اقلیت های نژادی و ملیتی، شبکه های اینترنت ضعیف تر و امکانات عمومی بسیار محدود تر است. سوال شما را به دو وجه مایلیم پاسخ بگویم: اول آنکه برای آنچه موضوع این بحث است و سازماندهی افقی در جنبش های مدنی تمام سعی من آن بود که بگویم سطح بالای تکنولوژی جزو ملزومات نیست و بیش از هر چیز کیفیت کار و کنشگری مهم است و نه ابزار فنی. تلفن معمولی و حتی رفتن به در خانه یک فرد بهترین و مطمئن و ایمن ترین راه برای دسترسی به افراد برای جلب اعتماد و ایجاد ارتباط است. بله در یک اتاق کلاب هاوس تا ۸۰۰۰ نفر جمع میشوند ولی این ارتباط یکطرفه و بدون پاسخ است که از نظر تکنولوژی در سطح بالا ولی عملاً همان روابط عمودی قدرت را بازسازی میکند. البته ناگفته نماند که همین تکنولوژی جدید یعنی امکان جمع شدن ده پانزده هزار نفر بدون نیاز به پرداخت هزینه کلانی که در غیر اینصورت برای جمع کردن این جمع لازم میبود آنهم بدون کنترل مستقیم و امکان تهدید شرکت کنندگان وسیله نیروی پلیس از معجزات تکنولوژی های نوین است. جای سوال نباید باشد این که شانزده هزار نفر تا امروز رفیق فرخ نگهدار را در کلاب هاوس دنبال میکنند معجزه امکانات نوین است. اما تأکید میکنم که عدم دسترسی به تکنولوژی میتواند مانع جزئی باشد اما سد راه نیست.

بخش دوم سوال را با این توجه پاسخ میگویم که عنصر پیشرو، پیشگام و هرچه بنامیم کسی است که در مبارزه طبقاتی همه چیز را بر اساس بازخور طبقاتی اش قضاوت کند. محیط زیست، گرمایش زمین، حقوق زنان، حقوق اقلیت های قومی و ملی، آزادی مذاهب و آزادی تفکر را نباید به وسیله ای برای تفوق طبقاتی و برتری طبقاتی تبدیل کنیم. در هر تصمیم و کنشگری سیاسی و اجتماعی مقیاس و قطب نمای ما تأثیر آن بر طبقات کار و زحمتکشان است. میتوان تصور کرد که یک کارگر در معدن ذغال سنگ برای زندگی خود به کار نیاز دارد و وظیفه ماست که او را به بدیل هایی از انرژی های برگشت پذیر ترغیب کنیم. در کشور ما بسیاری از بدنه کارگری ما در صنایع وابسته به سوخت های فسیلی و شیمیایی کار میکنند. آموزش و آگاهی رسانی به ایشان اهمیتی بسزا دارد. یک بخش از مبارزات جامعه مدنی معرفی کردن بدیل های مناسب برای انرژی و سرمایه گذاری در صنایع تمیز است. قطع این سرمایه گذاری باید با آگاهی عمیق طبقاتی صورت بگیرد و جنبش مدنی در آن نقشی ویژه بازی خواهد کرد. قسمت دیگر سوال دوم آنست که حتی تصمیمات سیاسی هم نمی تواند بدون اثرات آن بر طبقه کار مورد توجه قرار گیرد. ما نیاز داریم که به آموزش طبقه کار بیاندیشیم و از امکانات شبکه های مجازی و تکنولوژی های موجود برای بردن آموزش و علوم نوین به درون طبقه کار استفاده کنیم. این درس ها میتواند از مسایل بسیار ساده آموزشی مثل آموزش زبان و امور اجتماعی و حقوقی تا طریق استفاده بهینه از اینترنت را شامل شود. شبکه افقی بهترین امکانات را در این زمینه به ما عرضه میکند.

- بنظر می آید شما با این پیش فرض که راهبری وجود داشته باشد تا شبکه را هدایت کند، شبکه افقی را مطرح می کنید شما راهبر را با این خصوصیت تعریف می کنید که: " این راهبر باید نفوذ کلام داشته باشد و تأثیر گذار باشد و در ایجاد اعتماد دوطرفه و در ترغیب کردن دیگران برای پیوستن به جمع و همراهی در جهت هدف مشترک عمل کند ". این نوع ویژگی و خصوصیت شخصیتی را رهبر کاریزماتیک و اقتدارگرا هم دارد و نمونه های تاریخی اش فراوان است. این ویژگی ها نمی تواند قادر به حذف روابط سانترالیسم و مرکز گرا باشد و در



شبکه‌ی افقی تنها چیزی که تغییر پیدا کرده است اینکه سلسله‌مراتبی در این میان حذف شده است ولی اقتدارگرایی احتمالی رهبر کاریزماتیک (به شرط وجود) از بین نرفته است. در واقع لایه‌هایی که ناگزیر باید سطوح مختلف را چه از نقطه نظر موضوعات فلسفه‌ی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و اکولوژیک و چه از نظر طبقات و گروه‌های اجتماعی و موضوعات مبتلا به آن جنبش اجتماعی خاص سازمان می‌داد، حذف کرده‌اید. چگونه می‌توانید در شبکه‌ی متکی به روابط افقی، ساز و کاری را مشخص کنید که طرح و شیوه پیشبرد آن موضوعات با بهترین سطح دانش و آگاهی نسبت به سوژه‌ها از سویی و با رعایت نظر همه‌ی ذینفع‌ها متکی بر برابر حقوقی از سوی دیگر منجر به تصمیم‌گیری‌های دموکراتیک گردد؟

در این مورد باید بگویم که اصولاً در شبکه‌های افقی وقتی از راهبر صحبت میشود منظور کسی است که در همان هسته کوچک قرار دارد. بالعکس رهبر کاریزماتیک در سیستم عمودی یک نفر است که کل جنبش را هدایت و رهبری میکند در جنبش‌های شبکه‌ای سیستم قائم به رهبری یک فرد نیست بلکه خرد جمعی در کل جنبش حرکت‌ها را پیش میبرد. در شبکه افقی مساله نمایندگی غیر مستقیم وجود ندارد و کسی از بالا کسی را رهبری نمی‌کند برای همین هم هست که ایجاد ارتباط و اعتماد دو سویه ضرورت پیدا میکند، چرا که اعضا با فاصله نزدیک با راهبر تیم قرار دارند و میتوانند چشم در چشم با هم صحبت کنند و ابراز نظر نمایند. اساساً به همین دلیل نیازی به رهبر کل جنبش نیست. کسی پیرو کسی نیست که بخواهد او را دنبال کند و فرمان ببرد. در رابطه با سوال دوم درباره مکانیزم انتخاب تصمیم و برابر حقوقی البته باید هر تیم بر اساس تفاهم مکانیزم را پیدا کرده و انرا تدوین نماید. ولی در کلیت مساله خرد جمعی تصمیم میگیرد.

- آیا یک قضیه صیانت این نیست که شبکه‌های مجازی اطلاعات خود را به نهادهای امنیتی کشور مادر می‌دهند. آقایان میگویند در حوزه اقتدار ما به ما هم همکاری کنید. در سال ۱۳۸۸ گوگل و یاهو و نوکیا با سیستم همکاری می‌کردند، آیا در شرایط مشابه و در صورت حل معضل هسته‌ای فکر نمی‌کنید این اتفاق بیفتد؟

بله واقعیت اینست که حالا اگر هم جمهوری اسلامی بر اینترنت و کل محتوی آن کنترل نداشته باشد ما میدانیم که طبق افشاگری‌های ادوارد اسنودن تمام مخابرات جهانی از هر نوع و از هر ماهواره و کابلی که در جهان عبور میکند یک نسخه‌اش را سازمان امنیت ملی آمریکا ضبط میکند. بنابراین ادعای جمهوری اسلامی در اینکه می‌خواهیم اینترنت ایرانی بسازیم یک شعار بیش نیست. بالاخره بسیاری از واحد‌های دولت جمهوری اسلامی وزارتخانه‌های متعدد مثل خارجه، نفت، بانک مرکزی و انواع اقسام صنایع برای کار روزانه خود به شبکه اینترنت جهانی وصل هستند. اگر بانک ملی در شیراز بخواهد نقل و انتقالی با شعبه بانک ملی در ابوظبی داشته باشد باید به اینترنت جهانی وصل باشد. خوب از تمام این نقاط لازم برای اتصال شبکه داخلی به اینترنت جهانی اگر چنین چیزی هم ساخته شود قابل نفوذ است. بنابراین توجیه اینکه این طرح برای اصلاح مشکل امنیتی جمهوری اسلامی است را خودشان هم میدانند که اعتبار ندارد تا الان شاهد بوده‌ایم که تمام شبکه امنیتی جمهوری اسلامی از هزار نقطه برای ماسد و سیا باز بوده است و خودشان هم میدانند که قادر به کنترل آن نیستند. از سوی دیگر به باور من برای داشتن کنترل بر همه مرادوات اینترنتی همین الان هم به اندازه کافی وسیله تکنولوژیک در دستشان هست که مثل همکاران اطلاعاتی-امنیتی اسرائیلی، آمریکایی و بریتانیایی‌شان همه چیز را کنترل کنند. اگر بجای بستن دروازه‌ها ایران به تمام جهان باز بود و تحریم‌ها که حاصل سیاست جمهوری اسلامی است نبود دولت ایران هم مثل همه کشورهای دنیا میتواند برای مقابله با تروریسم و خطرات ناشی از آن با کمپانی‌های بزرگ آفریننده این تکنولوژی‌ها مستقیماً وارد مذاکره شود.

- در خبرها آمده که اینترنت ماهواره‌ای قراره در فضای کشور ایجاد شود آیا این برنامه اگر تحقق یابد برای کاربران فضای مجازی کاربرد خواهد داشت؟

بطور قطع این تکنولوژی در حال ساخت است یعنی شبکه ماهواره‌های استارلینک که ایلان ماسک آن را در دست اجرا دارد شصت درصد جهان را تا کنون پوشش داده است. شنیده‌ام که مناطق غرب کشور هم بواسطه پوشش عراق و ترکیه هم الان تحت پوشش است، و بقیه هم بزودی تکمیل خواهد شد. دو نکته در این باره مهم است اول اینکه پروژه یک پروژه خصوصی و برای پولسازی است و بنابراین باید برای کمپانی مربوطه سودآور باشد تا پوشش آن بر روی ایران ارزش سرمایه‌گذاری داشته باشد. نکته دوم آنست که همانطوریکه به مرور ماهواره‌های تلویزیونی هم به عاملی برای پولسازی عده‌ای در ایران تبدیل شد، بقول ناومی کلاین سرمایه‌دارها از هر چیزی حتی بزرگترین خسارات به مردم هم برای کسب درآمد نخواهد گذشت. بنابراین مطمئن باشید که کسانی از نزدیکان مقامات از الان بفکر سودآوری از قطع اینترنت معمولی در کشور هستند.

در مورد سمت تکنولوژی آن سیستم اما در نظر داشته باشید که همین الان هم توریست های خارجی میتوانند تلفن هایی بخرند که با ماهواره کار میکند و در نتیجه کار چندان مشکلی نیست که از همان طریق به شبکه های اینترنت جهانی وصل شد. ولی استارلینک و شبکه های رقیب آن که در حال گسترش هستند اگر نه الان ولی بزودی تمام دنیا را پوشش خواهند داد.

● می دانید که رییس کمیسیون فرهنگی مجلس که طرح صیانت را ارائه کرده، حاج آقا تهرانی، از رهبران جبهه پایداری است، شرکتی وابسته به این جبهه، قرار داد استفاده و ورود ابزار اینترنت ماهواره ای را با طرف غربی امضا کرده، علی رقم تحریم. گفته میشه طرح صیانت در واقع ایجاد بازار پرسود فروش لوازم و حق عضویت در این سیستم جدید است که برای طرف ایرانی و طرف خارجی بسیار پرسود است. نظر شما در این رابطه چیست؟ چون راهکارهای خرید گروهی ساختمانهای بزرگ و یا چند واحد مسکونی در یک محله هم ارائه شده که خرید را برای مشتری ایرانی ممکن می کند.

فکر کنم در پاسخ سوال قبل هم اشاره کردم که همانطوریکه نئومی کلاین هم در سرمایه داری فاجعه گفته است، بطور قطع کسانی هستند که از این طرح ها حمایت میکنند و بقول غربی ها که میگویند اگر پول را دنبال کنی به سر منشاء هر چیزی میتوان رسید. دقت شما نشان میدهد که در همین مورد هم این کمیسیون باصطلاح فرهنگی میتواند کاملاً بدلیل پولسازی این پروژه برای عده ای مصراً دنبال این قضیه باشد. وگرنه از نظر تکنیکی همه میدانند که بدلیل وجود سرشاخه هایی که شبکه اینترنت داخلی باید با شبکه جهانی وصل باشد، بدیهی است که داستان اینترنت داخلی هیچ پایه و مبنای علمی ندارد و محکوم به شکست است.

● - شما از آتش به اختیار بودن در شبکه افقی نام بردید و آن را مزیت اینگونه سازماندهی برشمردید این تعبیر که همان خودمختارگرایی یا اتونومیسم است، لطفاً توضیح دهید: ۱- چگونه می توان با وجود اختیار گرایی به تصمیمات و رویه هایی که منجر به اخذ نتایج قابل قبول و رضایتمندی همگانی رسید و آن تصمیمات را اجرا کرد؟ ۲- در شبکه های افقی با توجه به این خودمختارگرایی یا به قول شما آتش به اختیار بودن چه ضمانتی برای سلامت و درستی کنش هایی که منجر به نتیجه شود، وجود دارد؟

بله شما درست میگویید من عبارت آتش به اختیار بودن را برای این بکار بردم که نشان دهم هسته های شبکه افقی خودشان برنامه ریزی میکنند و برای اجرا تصمیم میگیرند و نیازی به تایید افراد بالاتری ندارند. این به این معنی نیست که همه افراد هر وقت دلشان خواست هرکار دلشان خواست بکنند بلکه فقط در مجموعه ان سلول است که خرد جمعی برنامه و زمان اجرای آن را تنظیم و تبیین میکند. نکته دوم نیز آنست که بدلائل پیش گفته مکانیزم اندازه گیری موفقیت هر حرکت را خود هسته تبیین میکند و بنابراین بعد از هر کنشی این فرصت را دارد که از درس های گرفته شده برای تنظیم گام های بعدی استفاده کند و اگر لازم بود از خود انتقاد کند و در حرکت بعدی اصلاحاتی را اعمال نماید. همین اتاق تلگرامی و بحث های مرتب هفتگی آن بهترین روش استفاده از تکنولوژی و نمود امکانات یک هسته کوچک افقی است که از تفاهم و خرد جمعی برای تعیین موضوعات و انتخاب سخنرانها استفاده میکند بدون آنکه رده بالاتری برای این تصمیم گیری ها وجود داشته باشد.

● در فضای مجازی ایران در دوره دولت روحانی، جناح راست بیشترین استفاده را برای ضدیت با دولت روحانی کرد، و خوب هم توانست درحالیکه رسانه ملی را در دست داشت، با تولیداتش در فضای مجازی گوی رقابت را ببرد. از فیلترینگ هم سود سرشاری بردن و در واقع همه پلت فرمها در اختیار کاربران بود. آیا طرح صیانت واقعا از ترس ارتباط مردم با هم است؟

من هم اطلاع دارم که بخش های سنتی تر حاکمیت اصلاً از شبکه های اجتماعی رضایت ندارند و بالطبع مایل هستند جلوی گسترش آن را بگیرند. در این مورد دونگه بنظر من قابل اعتناست: اول آنکه واقعا این طرح برای جلب چه نیرویی کاربری دارد، یعنی چه جمعیتی را با چنین طرح عقب مانده ای میتواند جلب کرد و به پشت طرح آورد. به باور من عدد قابل اعتنایی بخاطر این طرح پشت کاندیدایی جمع نخواهند شد. اما خوب کسانی از اقشار مختلف حتی مثلاً کسی مانند آقای علی مطهری ممکن است برای مقابله با باصطلاح فحشا از ان حمایت کند که از نظر سیاسی با طرفداران اصلی طرح یعنی جبهه پایداری هیچ قرابتی ندارد. بواقع "هرکسی از ظن خود شد یار من" در اینجا کار میکند. دوم آن است که آیا این طرح برای هدف ادعایی خود شانس موفقیت دارد؟ به باور من نه و چه از نظر تکنیکی و چه از نظر انسانی شانس

موفقیت ندارد ولی خوب کسانی از همین الان هم به اندازه کافی از آن سود برده و خواهند برد. وگرنه منطقی نیست که کسی فکر کند با خارج کردن شصت درصد مردم کشور از گردونه چه منفعت سیاسی خواهد برد.

- با درود، کره شمالی که اینترنت ملی براه انداخته چرا ابران نتواند از این سیستم پیروی کند و سوال دوم طرح صیانت اینکه اینترنت ماهواره ای عملاً کارگران و کارمندان را در دسترسی به اینترنت ساقط میکند چون به گفته کارشناس دستگاه وایفای ۶۰۰ تا ۷۰۰ دلار و هزینه ماهانه ۹۰ تا ۱۰۰ دلار برآورد شده با این حقوقها فقط با درآمدهای بالا میتوانند از اینترنت استفاده کنند نظر شما چیست؟

واقعیت آنست که جمهوری اسلامی در همین سطح محدود ارتباطی با جهان اصلاً قابل مقایسه با کره شمالی نیست. کره شمالی محیط کاملاً بسته ایست که هیچ ارتباطی با جهان خارج ندارد. از ایران میلیون ها نفر هر سال خارج میشوند و صدها هزار نفر به آن وارد میشوند. سطح گسترش متریک توسعه اجتماعی در ایران علیرغم همه کاستی ها در سطح متوسط خاورمیانه است. صنایع و امور اداری، تجاری و خدماتی در ایران نیز در سطح قابل رقابت با سایر کشورهای منطقه است. بنابراین نمیتوان ایران را با کره شمالی مقایسه کرد. برخی از مقامات جمهوری اسلامی ادعا میکنند که در چین هم اینترنت داخلی وجود دارد. این هم ادعای خلاف واقعی است. چین با تمام دنیا ارتباط لحظه ای دارد. تمام صنایع بین المللی غربی که در چین کارگاه دارند در تمام ساعات شبانه روز با تیم های کاری در آنجا در ارتباط هستند و کارهایشان را از راه دور کنترل و پروژه ها را اجرا میکنند. من دوستان ایرانی و آمریکایی زیادی دارم که در صحنه تکنولوژی در آمریکا و چین کار میکنند و اطلاع دقیق دارم که این ارتباط را تایید میکنند. بله سیستم های داخلی هم در آنجا هست مثل سیستم چینی شبیه به بازار اینترنتی آمازون "علی بابا" و یا موتور های جستجوی چینی شبیه به گوگل اما در کنار آن میلیون ها خارجی که در چین کار و زندگی میکنند هم با دنیا ارتباط دارند، دقیقاً همانطوریکه در کشور خودشان. از رمز ارزها گفتیم در اینجا هم لازم است بگویم ۶۰٪ بازار رمز ارز جهان در چین تولید و بزرگترین سیستم عامل بانکی آن "بایاناس" هم با وجود آنکه از چین به جهان خدمات میدهد در اینترنت جهانی کار میکند.

- اولاً موضوع برنامه ضرورت مقابله با محدود سازی از استفاده از اینترنت و... است، آیا جای گزینی شبکه های افقی باشبکه های عمودی، پاسخ موضوع است؟ در ثانی علاوه بر مشکلاتی که برای امور تجاری و مالی ایجاد میشود، ارتباط و هماهنگی این هسته ها و سلول های افقی در عرصه جنبش های اجتماعی و سیاسی، ایجاد میشود؟ آیا احزاب سیاسی چه محلی از اعراب دارند؟ اصلاً آیا رژیم قادر است در عمل با قطع اینترنت جهانی موفق گردد؟

منظور من این نیست که شبکه های افقی بدیل اینترنت هستند، بلکه قصدم از طرح این موضوع آنست که بگویم جوامع مدنی با تشکل های افقی میتوانند حتی با تکنولوژی های سنتی تر هم کارایی داشته باشند. در واقع بحث امروز من چند لایه دارد ۱- قطع اینترنت انطور که برخی از نمایندگان مجلس میگویند کار ساده ای نیست و عواقب بسیار گسترده ای دارد که عملاً آن را غیر ممکن میسازد ۲- تکنولوژی های جدید از جمله اینترنت جهانی از طریق ماهواره بزودی هر نوع محدودیت ادعایی مسئولین را عقب خواهند زد. ۳- برای یک جنبش مدنی موفق لازم نیست همه در انتظار ظهور یک رهبر بمانند و از هسته های کوچک میتوان برای رسیدن به اهداف عاجل شروع کرد. ۴- حتی به فرض محال که اینترنت هم قطع شود با تلفن معمولی هم میتوان سازماندهی کرد. ۵- پشت این طرح همانطوریکه برخی دوستان حاضر هم اشاره داشتند منافع اقشار خاصی پنهان است که از آن برای سودبری کلان برنامه ریزی کرده اند. ۶- نمونه های زیادی هست که استفاده از امکانات کم هم با شبکه های افقی در سازماندهی جنبش های توده ای اجتماعی برای تغییر و تحول بکار رفته است. ۷- ساختار های سنتی حزبی با مرکزیت های اقتدارگرا در جهان معاصر موفق نیستند و احزاب و سازمان های سیاسی نیز باید در ساختار خود تغییرات و تحولات عمده بدهند تا بتوانند از امکانات شبکه های مجازی استفاده بهینه کنند. تصمیم گیری ها در این سازمانها و احزاب از سنت مرکزیت باید به میان بدنه اعضا برده شده و نمایندگی مستقیم جایگزین نمایندگی غیر مستقیم گردد.

- تولیدات موجود در فضای مجازی بیشتر در جهت سیاستهای پنهان جناح راست حاکمیت بود. سرمایه گذاری زیادی برای تولیداتشان کردند. نظرتان در مورد تولیدات فضای مجازی به وسیله نیروهای مردمی چیست؟ آیا نباید در این زمینه از طرف نیروهای مترقی اقدامات جدی تری صورت بگیرد؟

بدیهی است که باید از هر امکانی برای بردن ایده های نو به میان مردم استفاده کرد و بهره گیری از هنر و خلاقیت در آن مهمترین وجه کار در شبکه افقی است. شبکه افقی این امکان را به همه میدهد که خود در نقش خبرنگار و تولید کننده ایده

عمل کنند و از امکانات رسانه های جمعی برای تولید هنر خلاق استفاده نمایند. در عین حال مهم آنست که ما بعنوان نیروی پیشرو جذب خبرسازی جعلی و تولیدات موهن و دروغپردازی های مرسوم نشویم و در هر فرصت اخبار جعلی را افشا کنیم و هر کدام در سطح خود مانع گسترش مطالب جعلی و خلاف واقع در فضای مجازی باشیم و به سلامت این فضا کمک نماییم.